



دانشگاه علم و فرهنگ
سازمان دانش‌پژوهی و فناوری



دانشگاه علم و فرهنگ
انجمن علمی دانشجویی و پژوهشی

شماره یک
پاییز ۱۴۰۱

خَکاد

نشریه علمی دانشجویی چکاد



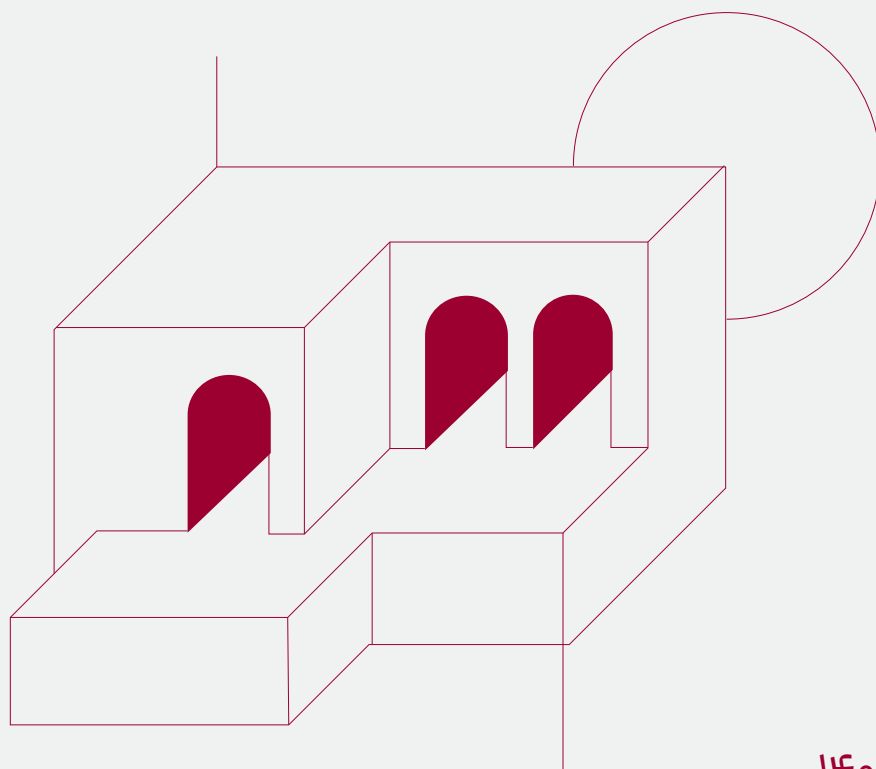
برشی از دومین جست و جویهای چکاد

- ♦ تاریخ معماری تزیینی
- ♦ معرفی فیلم معماری
- ♦ معرفی معمار
- ♦ معرفی کتاب



دانشگاه علم و فرهنگ
انجمن علمی دانشجویی داخلی





شماره یک پاییز ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی معماری داخلی دانشگاه علم فرهنگ

مدیر مسئول: مهلا باسره

سردبیر: غزاله رمضان قربانی

ویراستار: سارا شهسوار خجسته، غزاله رمضان قربانی

هیئت تحریریه: سارا شهسوار خجسته، غزاله رمضان قربانی
سعیده هوشیاری، سارا حدیدی

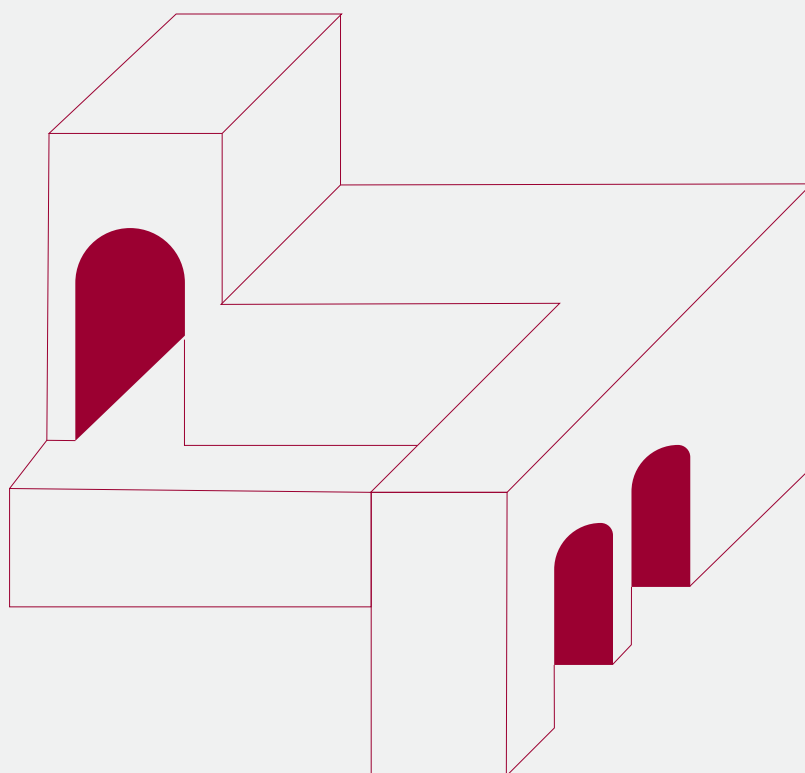
گرافیکست و صفحه آرا: حمیدرضا پویان

با تشکر از جناب دکتر محمد رضا نامداری مدیر گروه و استاد راهنما رشته
معماری داخلی

با سپاس فراوان از معاونت دانشجویی فرهنگی دانشگاه علم و فرهنگ

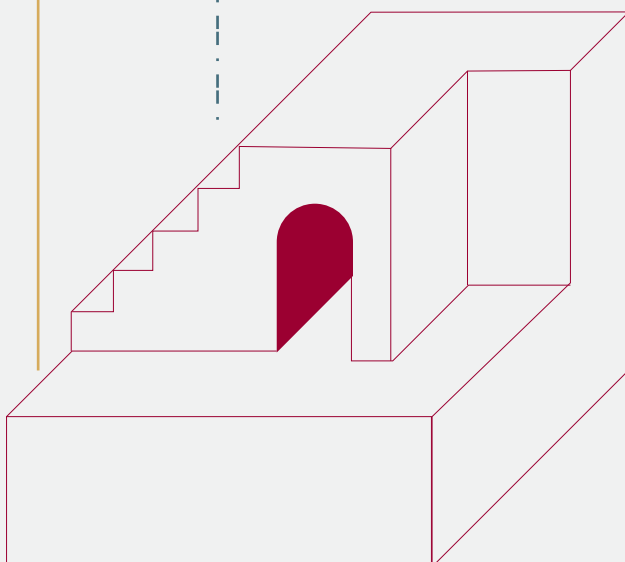
شناسنامه

تاریخ اخذ مجوز: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲
شماره مجوز: ۱۴۰۰/۷۰/۴۲۴/ص



فهرست

۵	سخن سر دبیر
۶	روایت نام گذاری چکاد
۸	گوشه ای از سواد بصری
۱۲	اثری ماندگار
۱۶	برشی از تاریخ معماری تزئینی
۲۱	نقدی بر کتاب دست های متفکر
۲۴	بررسی طراحی صحنه فیلم



سخن سردبیر

بیش از سی هزار سال از پدید آمدن هنر میگذرد، با این وجود به ندرت شاهد شکوفا شدنش در لحظه ای الهام بخش بوده ایم . هنر همیشه بازتابی از شرایط ، احساسات و عقاید هنرمند بوده است که تحت تاثیر سیاست ، سنت ، موقعیت اجتماعی ، باورها و خط فکری هنرمند شکل گرفته است ؛ معماری نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. باید در نظر داشت که هنر تاثیر مستقیم و شگرفی بر قلب و روح آدمی دارد . این امر اهمیت معماری داخلی را در زندگی ماشینی و پر استرس عصر جدید بیشتر از پیش میکند چرا که انسان مدرن در جست و جوی آرامش است و کجا بهتر از خانه برای یافتن آن. معماری داخلی میتواند از سنگ و چوب و دیوار محیطی برای زندگی و راحتی انسان بسازد و در آن روح بدمد. چرا که همه ی ما با آن سر و کار داشته و با توجه به جزئی نگری و در دسترس تر بودن معماری داخلی، میتوان گفت هر کس با به کارگیری این هنر قادر به ساخت کنج دنجی برای خود است؛ حتی یک محیط کوچک که نیازهای آدمی را برآورده کند و باب سلقیه ی فرد باشد، رنگ ، نور و چیدمان اجزای آن به درستی انتخاب شده باشد هم میتواند حس رضایت را به آدمی منتقل کند . در این جا ما تلاش داریم که به اثر این هنر در زندگی بپردازیم با آن بیشتر آشنا شویم و اگر شد قدم کوچکی در جهت پیشرفت آن برداریم.

روایت نام گذاری چکاد

چکاد در لغت، به معنای کوه است.
همانطور که اخوان ثالث می‌سراید :

فارغ از سوت و صغیر دوستدار خاکزاد خویش

کفتران، در اوج دوری مست پروازند.

بال‌هاشان سرخ،

زیرا بر چکاد دورتر کوهی که بتوان دید،

رسته لختی پیش،

شعله ور خونبوت‌های مرجانی خورشید.

در لغت‌نامه دهخدا این لغت به معنای سر کوه و قله نیز آورده شده است. در انجمن علمی دانشگاه نیز تلاش شده تا با تالیف نشریه چکاد، در جهت تشویق و آگاهی دانشجویان گامی برداریم به این امید که گامی باشد، هرچند کوچک در به اوج رسیدن آن‌ها در قله‌های علم، فرهنگ و هنر.

چکاد نمادی از صعود و همچنین در معماری سنتی ایران به معنای فاصله بین تیزه قوس تا رخبام است و ما نیز امیدوارم همواره تمامی شماره‌های این گاه‌نامه عنصری از معماری سنتی را با خود به همراه داشته باشد.

گوشه‌ای از سوادبصری

نویسنده: غزاله رمضان قربانی

گوشه‌ای از سواد بصری

هر اثری از عناصر اولیه ای تشکیل شده است که این عناصر اولیه شامل : نقطه، خط، شکل، جهت، سایه روشن یا رنگمایه، رنگ، بافت، بعد، مقیاس و حرکت می شوند. که برای شناخت هر اثر باید عناصر اولیه به طور مجزا شناخته شوند و در صورت تغییر حتی یک عنصر کل اثر دچار دگرگونی می شود و برای تولید یک اثر خوب بصری نیاز به ایجاد توازن بین این عناصر است.

در طراحی اولیه یک اثر طراح از عنصر ساده و نیرومندی مانند خط برای شروع کار استفاده می کنند هنر طراح انتخاب و چیدمان این عناصر در کنار یکدیگر است و کسی که می‌خواهد از طریق بصری با مخاطب خود ارتباط برقرار کند برایش وجود حالات مختلف قرارگیری عناصر بسیار مهم است.

نقطه

نقطه ساده ترین و تجزیه ناپذیر ترین عنصر ارتباط بصری است. راهنمایی و هدایت چشم به وسیله نقطه، با تعدد و یا تجمع نقاط افزایش پیدا میکند.

خط

خط را میشود نقطه در حال حرکت یا تاریخ حرکت نقطه دانست و در هنرهای بصری خط بخاطر همین ماهیتش توان و انرژی بسیاری دارد چرا که خط هرگز ثابت نبوده و همیشه پر تحرک است خط بخاطر خاصیت انعطاف پذیری و سیالیت به ما آزادی عمل در تجربه اشکال جدید می دهد چرا که با وجود آزاد بودن مبهم نیست خط در هنر مهم ترین عنصر طراحی است و طرح در هنر خود مستقیماً دارای اطلاعات بصری مورد نیاز اثر است.





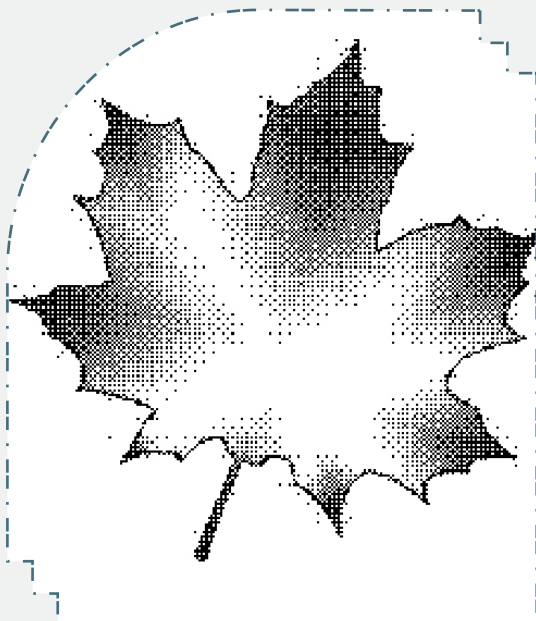
خط شاخص شکل است. سه شکل اصلی وجود دارد: مربع، دایره و مثلث. متساوی الاضلاع و هر کدام ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند. به هر شکل خصوصیتی اختصاص داده شده که یا به خاطر ذات شکل بوده یا به علت تاثیر دستگاه فیزیولوژیکی- روانی انسان بوده و یا تعبیر فرهنگی خاصی داشته است. مربع: حالت بی حرکتی، صداقت، صراحت و استادکارانه نسبت داده شده؛ مثلث: فعالیت جدال و انقباض را قطعی میکند؛ دایره: بی انتهای گرمی و محفوظ بودن را با ترکیب انواع این سه شکل اصلی میتوان تصویر کلیه‌ی شکل‌های موجود در طبیعت یا در ذهن انسان را ساخت.

جهت

هر شکلی دارای جهت خاص خود نیز هست. مربع: "جهت افقی و عمودی" مثلث: "جهت مایل" و دایره: "سمت دورانی" دارد. جهات تداعی کننده معنا هستند و معنا در ایجاد یک پیام بصری مفید است جهت مایل با تعادل رابطه عکس دارد به این معنا که مایل یعنی فقدان تعادل. این جهت بی ثبات‌ترین و در نتیجه پر تحرک‌ترین نیروی جهت دار بصری است و در تصاویر وجود چنین جهتی بیش از همه چشم را به خود جلب میکند معنا و حالت آن ناآرام و تهدید کننده است. جهت دورانی حالت و معنای محاط کنندگی و تکرار و گرما است. جهت‌ها در رسیدن به تاثیر خاص در یک ترکیب بندی دارای اهمیت فوق العاده‌ای هستند.

رنگمایه

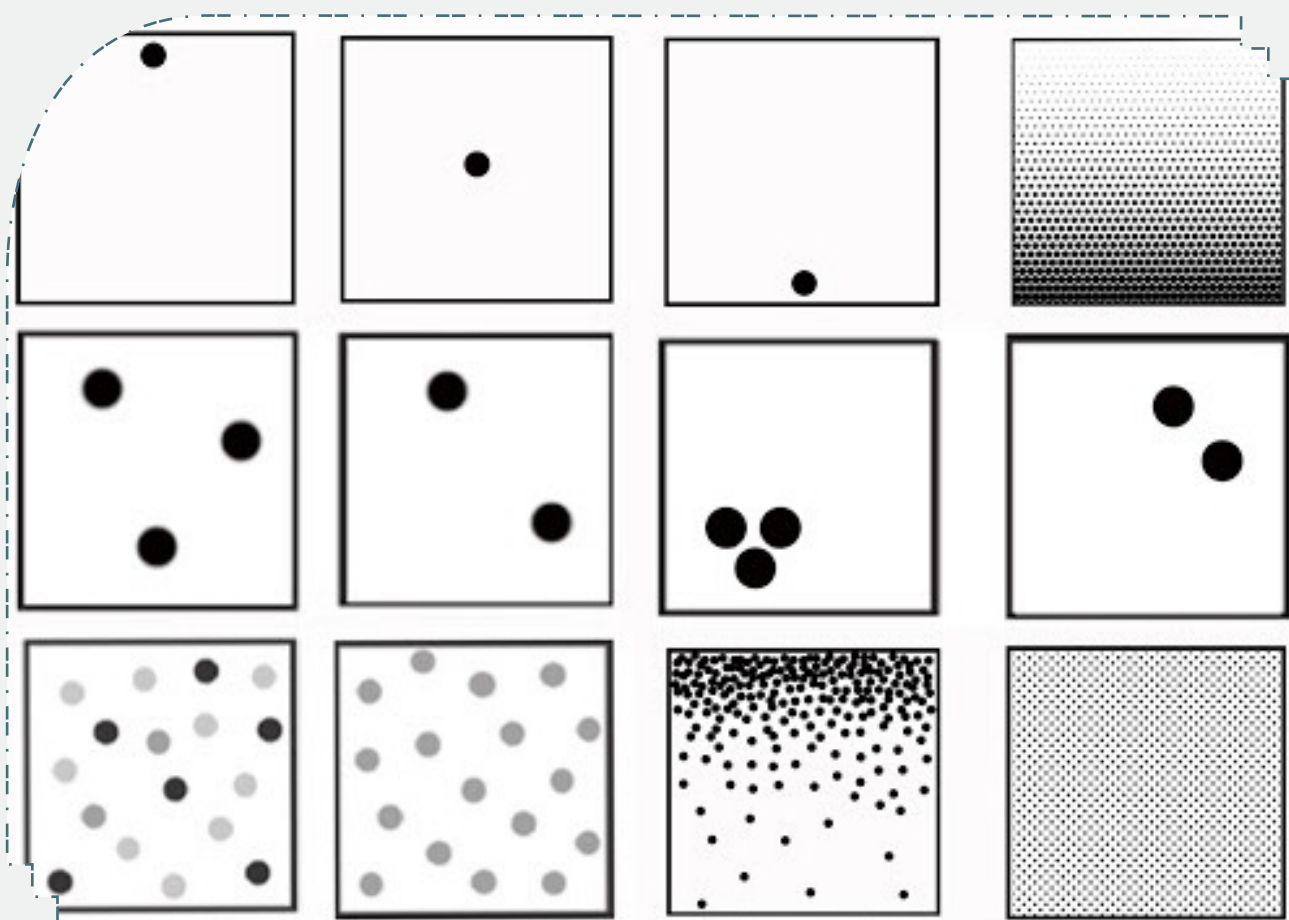
رنگمایه میزان شدت تاریکی یا روشنایی چیزهاست. نور بصورت یکنواخت در محیط پراکنده نمیشود اگر روشنایی همه نقاط برابر بود قادر به دیدن نبودیم همانطور که در تاریکی مطلق نمیتوانیم ببینیم. بین نور مطلق تا تاریکی مطلق هزاران درجه وجود دارد که به آنها تنالیته یا رنگمایه میگوییم در طبیعت و در مجاورت نور طبیعی ما درجات بسیار زیادی رنگمایه داریم ولی در هنرهای گرافیکی معمولاً از ۱۳ درجه بیشتر نمیشود و با قرار دادن یک رنگمایه ثابت در زمینه‌های مختلف روشنی و تیرگی آن کاهش یا افزایش پیدا میکند.



یکی از موثرترین روش ها برای نشان دادن بعد سوم همین تکنیک سایه روشنی و استفاده از خاصیت رنگمایه هاست. بینایی چیزی جز تشخیص رنگمایه ها از یکدیگر نیست.

در آخر دانش و مهارت استفاده از سواد بصری همواره یاری کننده یک طراح در بهبود کیفیت و اثر گذاری طرح بر روی مخاطب است.

نویسنده: غزاله رمضان قربانی



اثری ماندگار

نویسنده: سارا شهسوار خجسته



اثری ماندگار

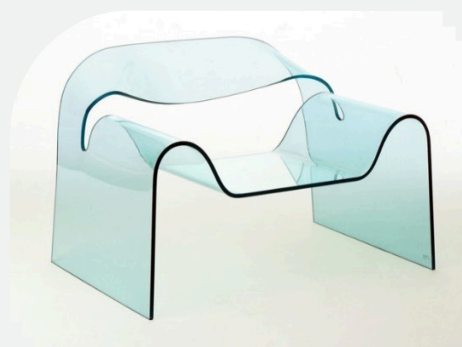
چینی بوئری معماری ایتالیایی که آثار ارزشمندی از خود به جا گذاشته است و جوایز زیادی دریافت کرده است در سال ۱۹۲۴ در میلان متولد شد

چینی بوئری در سال ۱۹۵۱ از دانشگاه پلی تکنیک میلان از رشته معماری فارغ التحصیل شد. او در سال ۱۹۳۶ استودیو خودش را در میلان تاسیس کرد. این استودیو در زمینه معماری ، معماری داخلی و طراحی فضاهای نمایشگاهی در ایتالیا و خارج از ایتالیا فعالیت می کند.

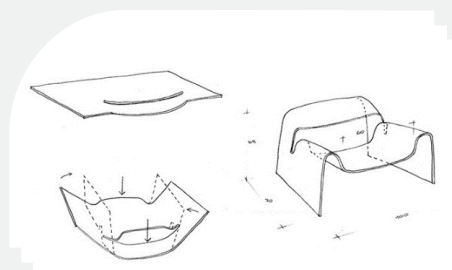


چینی
بوئری

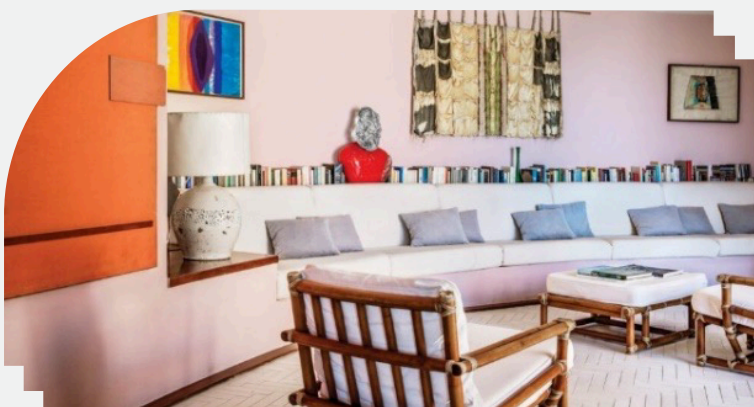
او در طراحی هایش همواره به دنبال راه حل هایی خلاقانه و غیر معمول بود و به رابطه انسان و محیط اطراف توجه ویژه ای نشان می داد. بیشتر مبلمان های طراحی شده توسط بوئری بخش های الهام گرفته دارند و مدولار هستند. او علاقه به طراحی مبلمان با استفاده از یک نوع از مصالح داشت. یکی از آثار معروف او صندلی روح است که از شیشه های به قطر ۱۲ میلی متر و یک تکه ساخته شده است و می تواند ۱۵۰ کیلوگرم را تحمل کند. (شکل ۱ و ۲)



شکل ۱



شکل ۲



شکل ۳

بوئری دو پروژه معماری و معماری داخلی هم برای خانواده‌اش انجام داد که پروژه های اول او بودند. اولین پروژه ویلای کاساروتوندا بود که برای خواهر شوهرش در سال ۱۹۶۶ ساخت و فضای داخلی آن را طراحی کرد. (شکل ۳ و ۴)



شکل ۴



شکل ۵



شکل ۶

دومی کاسا بانکر بود که متعلق به خانواده اوست و نسل به نسل منتقل شده است هر دو این خانه‌ها در جزیره ای واقع هستند و طراحی منحصر به فردی دارند. (شکل ۵ و ۶)



چینی بوئری بین سال های ۱۹۸۱ تا ۱۹۳۸ نقشه‌کشی معماری و طراحی صنعتی در دانشگاه پلی‌تکنیک میلان تدریس می‌کرد و کنفرانس‌های بین‌المللی می‌گذاشت او از سال ۲۰۱۲ عضو افتخاری اتحادیه طراحی صنعتی امریکا شد و جوایز زیادی در زمینه طراحی داخلی و معماری کسب کرد. برخی آثار او در موزه‌های جهان به نمایش گذاشته شده اند مثل موزه لوور پاریس و موزه هنرهای معاصر نیویورک. چینی بوئری در سال ۲۰۲۰ در سن ۹۶ سالگی در خانه کودکی خود در گذشت.

نویسنده: ساراشهسوار خجسته





بررسی از تاریخ معماری تزئینی

نویسنده: سارا حدیدی

تاریخ معماری تزیینی



شکل ۱

خانه مقدم متعلق به دوران قاجار می‌باشد. که بعدها توسط وارث آن، محسن مقدم، بازسازی شده است. خانه‌ای واقع در خیابان امام خمینی تهران که نظر گردشگران و عاشقان معماری را به خود جلب می‌کند. (شکل ۱)

زیبایی یک بنا در نگاه اول تاثیر بالایی در نظر عام دارد و خانه مقدم می‌تواند در نگاه اول نظر تعداد نفرات زیادی را به سمت خود جلب کند.

چیزی که این خانه را از سایر خانه‌های هم دوره خود متمایز می‌کند، مالک آن یعنی دکتر مقدم است. بنظر می‌رسد محسن مقدم برای آن که همسر بلغار تبارش در خانه کمتر احساس غربت و اختلاف فرهنگی کند، تغییراتی را در همین راستا انجام داده است؛ همچون ساخت بنایی شبیه به قلعه‌های قرون وسطی که به همراه شاگرد دکتر مقدم، دکتر ابوالقاسمی، پدید آمده است. ایوان قاجار در این خانه با الهام از باغ الحمرا در اسپانیا ساخته شده است. آنچه که باعث می‌شود نام این ایوان، ایوان قاجار باشد؛ کاشی‌هایی با ترکیب رنگ‌های طلایی، آبی فیروزه‌ای و همچنین حضور حوضچه‌ای از جنس مرمر است (شکل ۲ و ۳). لازم به ذکر است این حوضچه متعلق به حمام فتحعلی شاه بوده است.





شکل ۲



شکل ۳

در زمان قاجار برای حفظ حریم خانه و بانوان، حیاط اندرونی و بیرونی را به طرق مختلف از هم جدا می‌کردند. خانه مقدم هم از این قاعده مستثنی نبوده و دیوار جدا کننده این نقش را بر عهده داشته است (شکل ۴). اما دکتر مقدم با تفکر غرب گرایانه‌اش به کمک هوشنگ سیحون (معمار به نام ایرانی) دروازه‌هایی در دل این دیوار ایجاد کرده است که نمایانگر دروازه ای جدید رو به فرهنگ غرب بوده است. از همین رو این دیوار را دیوار تجدد نامیده‌اند.

حیاط اندرونی خانه با الهام از چهار باغ ایرانی و فرش اصیل ایرانی ساخته شده است. حوض میان این حیاط که آب درون آن ساکن است، انعکاسی کم جان اما زیبا از ساختمان را در دل دارد. کاشی‌کاری فیروزه‌ای در دل حوض عضو جدا نشدنی از معماری ایرانی است که ردپایی از اصالت را به همراه دارد



شکل ۴

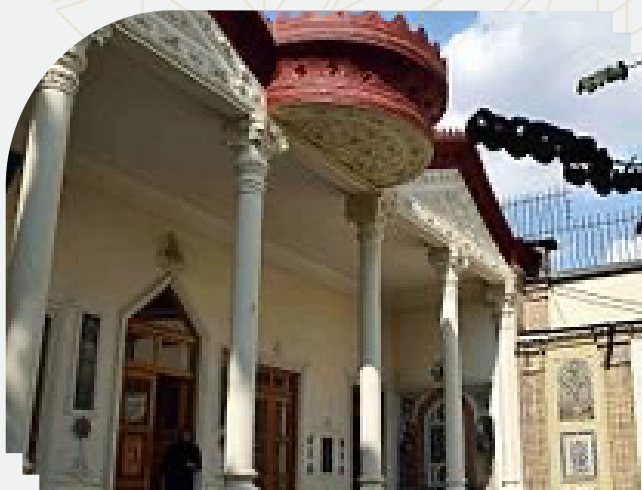


شکل ۵

با کمک پله‌هایی که شما را به زیرزمین هدایت می‌کند، وارد حوضخانه می‌شوید. تزئینات آن شامل کاشی و قطعات ظروف سفالین و آثار نفیسی از سده‌های چهارم تا سیزدهم هجری قمری است (شکل ۵). کاشی‌ها کل دیوار را پوشانده‌اند ولی در دل هر کدام از آن‌ها تصویری نهفته که به تنهایی بیانگر داستان‌های ایرانی است.



مگر می‌توان خانه ای اصیل با معماری ایرانی را یافت که در دل آن گچ بری وجود نداشته باشد؟ گچ بری‌هایی که با ظرافت سقف را پوشانده‌اند یا همانند قباب، یک کاشی کوچک را در دل خود جای داده‌اند. (شکل ۶)



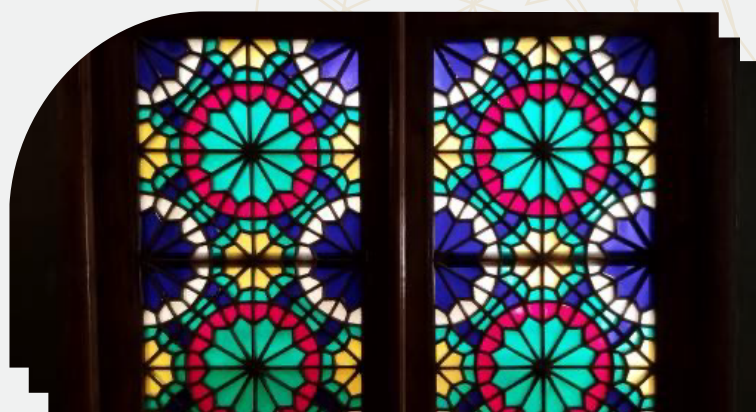
شکل ۶



شکل ۷

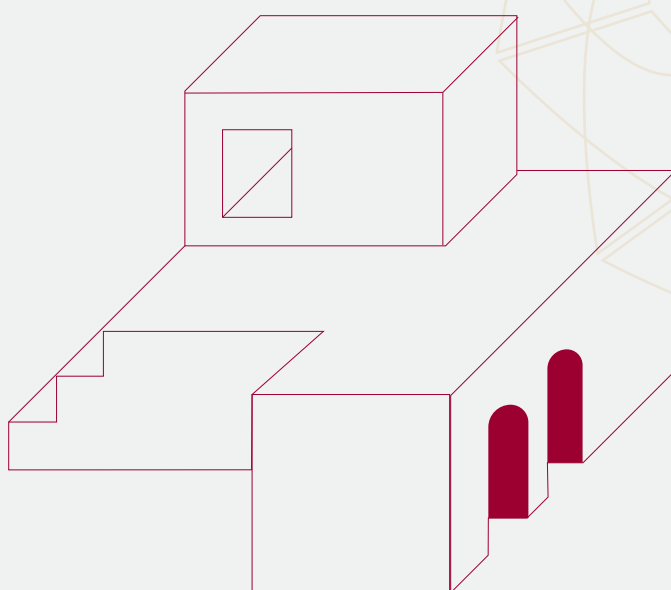
پنجره‌های رنگی هم به تنهایی می‌توانند درون خانه را زیبا تر جلوه بدهند. ورود نور قرمز، آبی و سبز آرامشی را در دل ایجاد می‌کند که امروزه کمتر می‌توان آن را در دل خانه های این شهر پیدا کرد. (شکل ۷ و ۸)

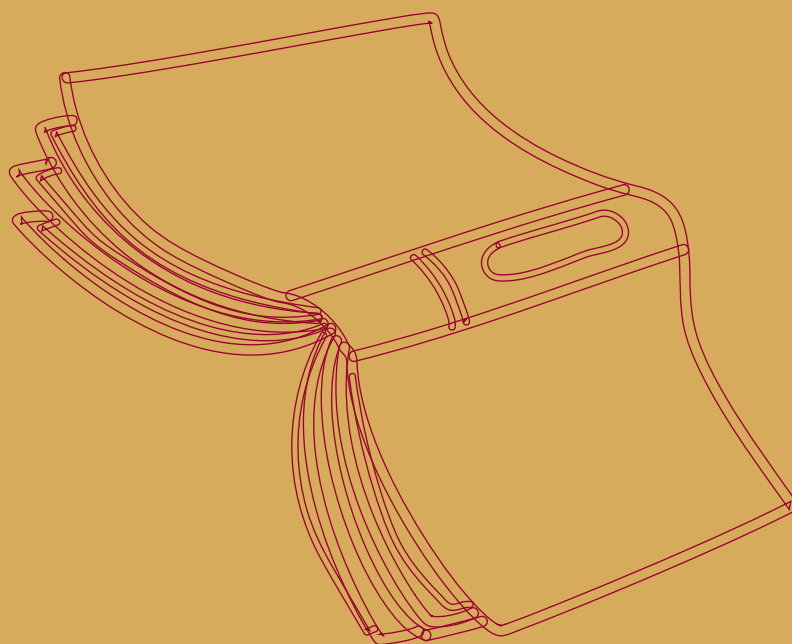
حفظ هویت در هنگام پیشرفت نکته ای بوده است که در بازسازی این خانه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. سبک التقاطی این خانه باعث نشده که روح ایرانی آن از بین برود و اثری ماندگار در قلب تهران باقی مانده است.



شکل ۸

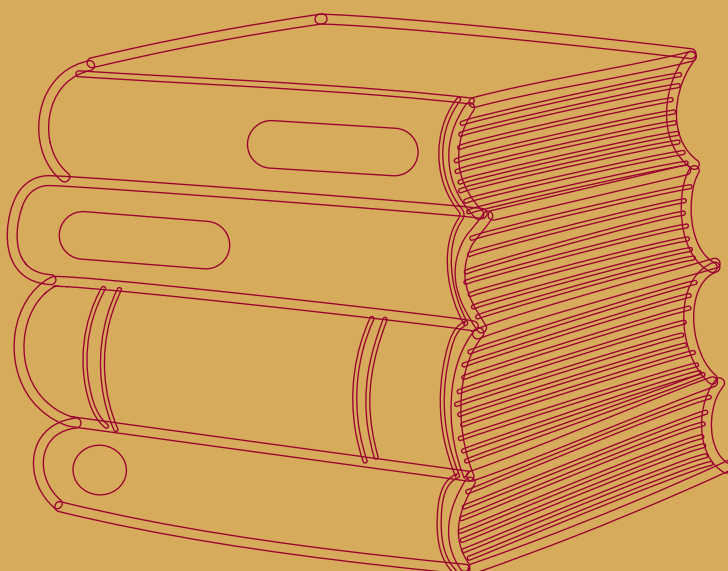
نویسنده: سارا حدیدی





نقدی بر کتاب دست‌های متفکر

نویسنده: سعیده هوشیاری



نقدی بر کتاب دست های متفکر

دست؟ وقتی به ماهیت آن فکر می‌کنیم چه چیزی به یاد می‌آوریم؟ عضوی از بدن؟ انگشت؟ ناخن؟

در واقع پاسخ شما در این کتاب نهفته است و دید تازه‌ای از ماهیت وجودی دست به شما داده می‌شود و دلیلی بر اهمیت این عضو بدن در ابتدا نویسنده به ماهیت دست می‌پردازد که چگونه حتی ادراک از طریق این عضو بدن انجام می‌شود و دست جاری کننده‌ی افکار و احساسات و حتی وسیله‌ای برای سخن گرفتن است.

از جهتی دست به عنوان پل ارتباطی بین مغز و عمل است! بگذارید منظور را واضح‌تر بگوییم؛ برای مثال زمانی را به یاد بیاورید که یک اسکیس می‌زنید.

مفهوم مدنظر، ابتدا در ذهن شما متصور می‌شود، سپس مغز دستور حرکت ماهیچه‌ها را می‌دهد و مداد در دست شما می‌چرخد و تصویر ذهنی شما، اکنون روی کاغذ اجرا می‌شود.

اما آیا به همین جا ختم می‌شود؟ قاعدتاً خیر در بخش‌های بعدی نویسنده توضیح می‌دهد که دست دارای ابعاد گوناگونی است که یکی از آن‌ها شخصیت است. هر دست به طور نمادین آینه‌ای از شخصیت صاحب آن و شغل وی است، در اصل شخصیت هر فرد، در دست‌هایش انعکاس می‌یابد. برای مثال؛ تا به حال دست‌های یک نقاش را نگاه کرده‌اید؟ یک کارگر چطور؟ یا یک نویسنده؟

حال این پرسش مطرح می‌شود که قلم یا موس؟ کدام یک؟

در حالیکه از اهمیت قابل لمس بودن، خودآگاهی و خلاقیت دست در هنگام طراحی سخن گفتیم، کامپیوترها، این پیشرفت تازه به دوران رسیده، با اغواگری و دادن چندین گزینه‌ی آماده و فریبنده، فضای خلاقیت را می‌گیرند!

شاید الان بگویید چه دیدگاه بدی! کامپیوترهای عصر مدرن، یعنی اوج راحتی و پیشرفت! ولی در واقع به نقد کامپیوترها نپرداخته؛ بلکه به نقد خروجی‌های فاقد حس آن پرداخته است! از شما می‌پرسم؛ آیا خطی که توسط دست کشیده می‌شود، با خطوط از پیش تعیین شده‌ی کامپیوتری یکی است؟

می‌گذارم جواب این سوال در اهمیت با ماهیت وجودی و حس موجود در دست را خودتان بیابید.

در آخر نیز نویسنده به ارزش خلاقیت و تخیل در تقابل با واقعیت می‌پردازد و می‌گوید چگونه هنر وارد ماجرا می‌شود و چه وظیفه‌ای دارد.

به نظر من این کتاب، حتما ارزش یکبار خواندن را دارد. دیدگاهی که بعد از خواندن این کتاب بدست می‌آورید واقعا جالب و متفاوت است.

نویسنده: سعیده هوشیاری

اگر به بطن موضوع توجه کنیم، درمی‌یابیم که ماهیت و شخصیت دست‌های هر یک از این افراد، فارغ از جنسیت آن‌ها حتی، به راحتی قابل تشخیص است.

دست‌های رنگی یک نقاش، دست‌های زبر و خشن یک کارگر و یا دست‌های جوهری یک نویسنده.

در واقع این شخصیت دست جایی مفهوم پیدا می‌کند که دیگر از دید ابزاری خارج می‌شود و خود به طور مستقلانه عمل می‌کند! دست دیگر مستقل از ابزار می‌شود و در واقع دست خود ابزار است. مثلا اگر چکش در دست گرفتید، دست دیگر چکش است و از بند فانی تن رها شده، نیرو مستقیما به آن اثر می‌کند.

در ستایش خودآگاهی دست و ادراک مستقلانه‌ی آن، که در نهایت به وحدت چشم و ذهن در تعامل با دست می‌رسد، تنها دیدن یک اثر کافی است.

در ادامه‌ی این کتاب می‌خوانیم: وقتی یک نقاش مانند ونسان ون گوگ یا کلودمونه، منظره‌ای را نقاشی می‌کند، دست آن‌ها چرا که چشم‌ها می‌بینند و ذهن تصور می‌کند، بازنمایی یا تقلید نمی‌کنند. نقاشی یک فعل واحد است که در آن دست‌ها می‌بینند، چشم‌ها نقاشی می‌کند و ذهن بوم را لمس می‌کند. (صفحه ۹)

از این‌ها که بگذریم، نویسنده این بار دید جالبی به ما می‌دهد، چشم‌اندازی از آینده‌ی دست!

بررسی طراحی صحنه فیلم

نویسنده: سارا شهسوار خجسته



نقد و بررسی طراحی صحنه

در این نوشته قصد داریم به طراحی صحنه در سریال فقط قتل های داخل ساختمان بپردازیم. فصل اول این سریال در سال ۲۰۲۱ از شبکه hulu پخش شد و امتیاز ۸/۱ را از imdb دریافت کرد. فصل دو این سریال نیز به تازگی پخش شده است. استیو مارتین و جان هافمن سازندگان این سریال هستند.

فقط قتل های داخل ساختمان سریالی معمایی کمدی است که داستان چارلز (Steve Martin)، میبل (Selena Gomez)، الیور (Martin Short) که سعی در حل یک پرونده جنایی دارند را روایت می کند. اتفاقات سریال در ساختمان آرکونیا (Arconia) واقع در نیویورک رخ می دهند.

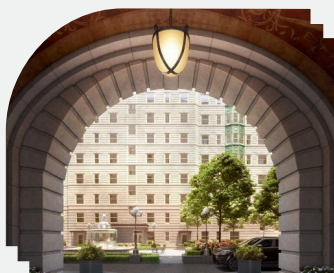


نام اصلی ساختمان بلنورد (Belnord) است. این ساختمان در بخش غربی نیویورک واقع شده و پلانی مستطیلی دارد (شکل ۱). ورودی ساختمان از معماری رومی الهام گرفته است و روی سقف آن نقاشی دیواری به چشم می خورد (شکل ۲). در این ورودی درب دو لنگه فلزی برای عبور و مرور قرار گرفته است. با ورود به ساختمان با فضای سبز مرکزی آن که در سال ۲۰۲۰ بزرگترین فضای سبز مرکزی نیویورک بوده است رو به رو می شویم (شکل ۳). داخل لابی ساختمان پله های پیچ و ۶ آسانسور وجود دارد. این ساختمان به تازگی نوسازی شده و هدف از نوسازی آن مدرن ساختن با حفظ اسکلت تاریخی ساختمان بلنورد بوده است. ساختمان بلنورد ساکنین زیادی دارد و به خوبی زندگی پرتکاپو در نیویورک را نشان می دهد.

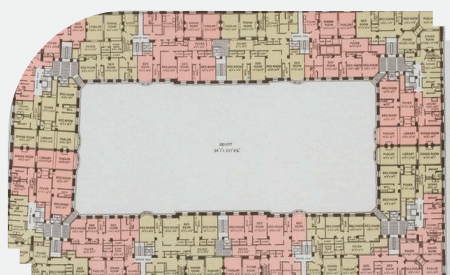




شکل ۱

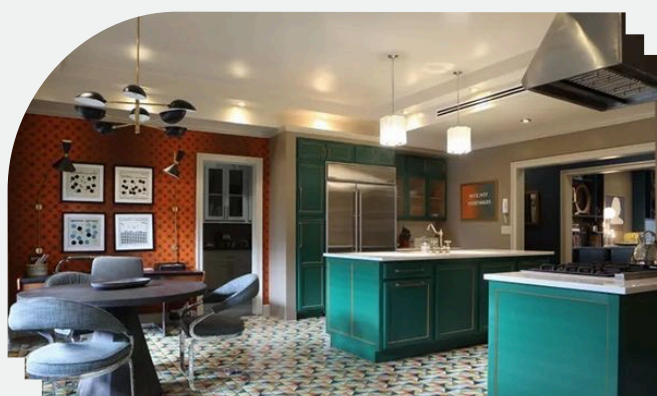
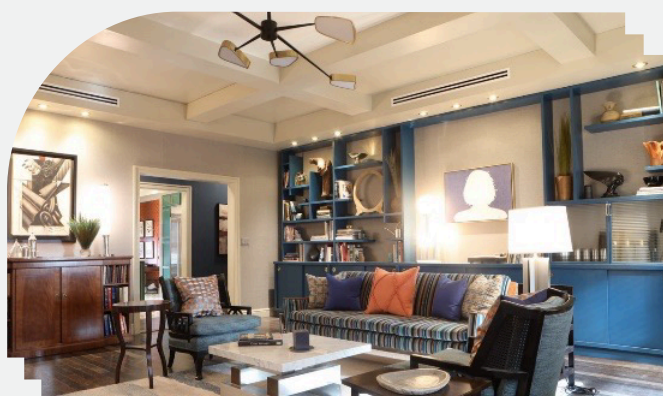


شکل ۲



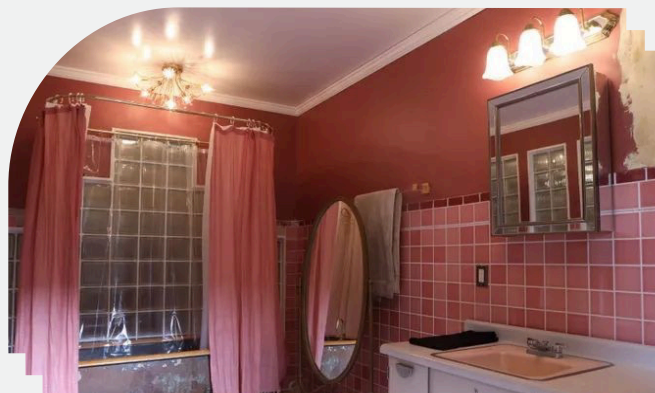
شکل ۱

در سریال برخی از واحدهای این ساختمان نشان داده می‌شود که طراحی منحصر به فرد همسو با شخصیت‌ها و سیر داستانی سریال دارند. برای مثال به خانه ی چارلز، میبل و الیور نگاه مختصری می‌اندازیم: چارلز در گذشته بازیگر بوده و بیشتر بخش های خانه‌اش متعلق به دوره درخشش او هستند. بنظر می‌رسد چارلز سرمایه خود را صرف تابلوهای مینیمال ارزشمند کرده است. این تابلوها هوش و پیچیدگی شخصیت او را به نمایش می‌گذارند. اشپزخانه او با کابینت های سبز ابی خود را از دیوار کناری با رنگ نارنجی جدا کرده است. کاغذ دیواری‌های خانه چارلز با اشکال هندسی و منظم و رنگ‌های کم، نظم و سادگی و روتین زندگی چارلز را نشان می‌دهند.



دیوارهای نیمه کاره دارد. لامپ های دیواری متعلق به دهه 50 هستند اما در حمامش بلوک های شیشه ای متعلق به دهه 80 دیده می‌شود. پرده‌های خانه که از طرح‌های مکزیکی الهام گرفته اند پرده‌های قدیمی خانه هستند. در خانه میبل بیشتر از رنگ‌های صورتی و کرم استفاده شده است. سرتا سر خانه میبل هنری و پر از نقاشی‌های دستی است تا شخصیت هنری میبل را به نمایش بگذارد.

میبل شخصیتی مرموز دارد و هنوز خود را نشناخته است. او در خانه ی خاله‌اش که در حال نوسازی آن است، زندگی می‌کند. خانه در نگاه اول خالی بنظر می‌رسد اما این فضا ترکیبی از دوره‌ها و استایل‌های مختلف است. خانه ی میبل یک استعاره بصری از شخصیت اوست که مانند خانه اش به مرور شکل می‌گیرد؛ مانند نقاشی دیواری خانه در فصل اول که به مرور و با کشف شخصیت میبل کامل می‌شود...



الیور کارگردان تئاتر بوده و علاقمند به موسیقی و تئاترهای موزیکال است. او وضع مالی خوبی ندارد. خانه ی او ویژگی‌هایش را به خوبی بازتاب می‌کند. در طراحی خانه و تجهیزات جانبی او از رنگ های پررنگ و تیره استفاده شده و خانه‌اش را مشابه صحنه تئاتر کرده است . کاغذ دیواری‌های شلوغ و مرتبط با سالن تئاتر و اپرا دارد که طرح آن‌ها با دست کشیده شده و روی کاغذ .



دیواری چاپ شده اند. خانه الیور شلوغ و شلخته است و وسایل قیمتی زیادی ندارد. در ساختمان الیور لیوان های چایی کثیف و رها شده در تمام عکس های این سریال دیده می‌شوند تا شخصیت عجول او را به نمایش بگذارند. در سالن اصلی خانه‌اش یک پیانو قرار دارد و پر از تابلوهای مرتبط با تئاترهای موزیکال او است که فضایی هنری و سینماتیک را القا می‌کند.



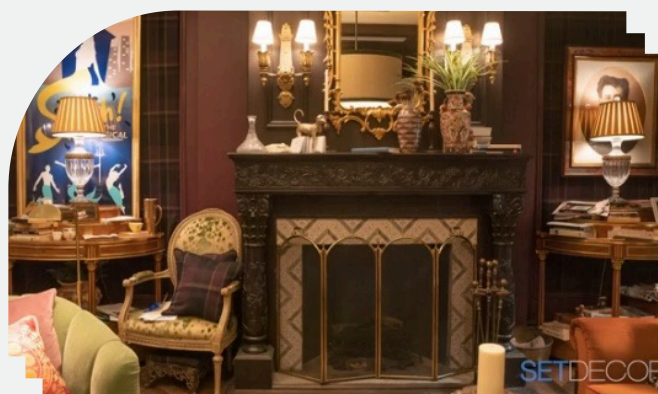


نورپردازی در این سریال نقش مهمی دارد. در هر کدام از صحنه‌های این سریال چندین نور مستقیم و غیرمستقیم دیده می‌شود که چشم را اذیت نمی‌کنند برعکس باعث می‌شوند دقیقاً همان چیزی که طراح صحنه می‌خواهد به ما نشان دهد را ببینیم. خانه هرکدام از آن‌ها پر از لوسترها و نورهای متصل به دیوار و لامپ‌های توکار است که انتخابی روشن و خاموش می‌شوند تا در بهترین حالت فیلمبرداری قرار گیرند به جایگاه هرکدام فکر شده و فضاها با نورها از یکدیگر متمایز می‌شوند به طور کلی در روز بیشتر از نور طبیعی و پنجره استفاده می‌شود.

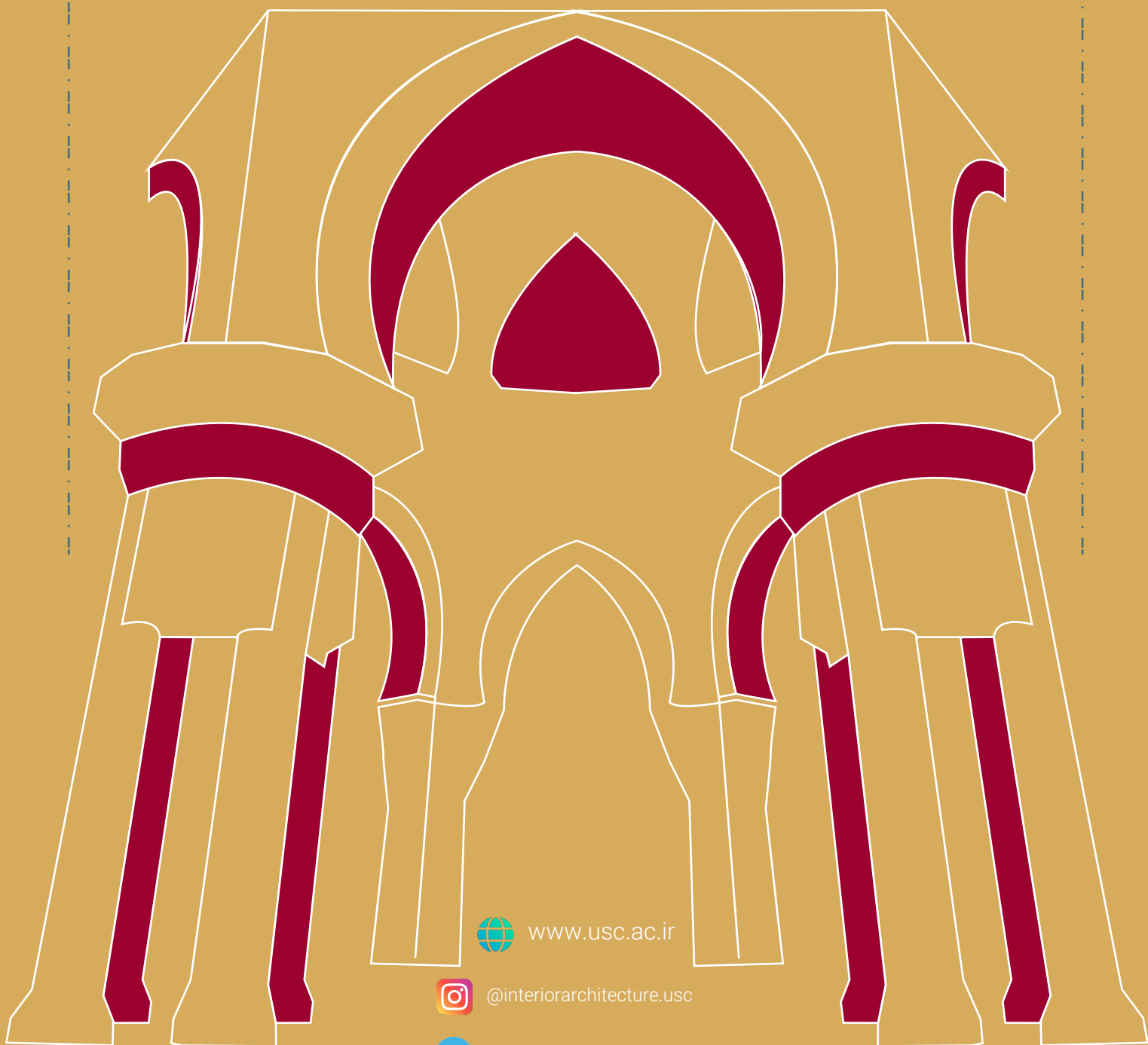
در نهایت معماری هنر خلق کردن فضا بر اساس نیازهای انسان هاست و یک طراح صحنه مانند یک معمار باید فضایی مطلوب مطابق نیازهای فیلمنامه خلق کند. وظیفه طراح صحنه القا بهتر احساسات و روحيات شخصیت‌های فیلم است و در مواقعی طراح صحنه به فضا به عنوان یک شخصیت هویت می‌دهد.

نویسنده: سارا شهسوار خجسته

بقیه شخصیت‌های این سریال حتی شخصیت‌های فرعی هرکدام فضایی منطبق با هویت خود را دارا می‌باشند برای مثال فردی در ساختمان که عاشق گربه است در صحنه‌هایی محدود از خانه‌ی او کاغذ دیواری‌هایی با طرح مرغ به چشم می‌خورد تا به کم‌دی و شخصیت‌پردازی این سریال کمک کند. برخی از وسایل استفاده شده خود داستانی جدا دارند که در سریال روایت می‌شود. در خانه همه آن‌ها اشتراکاتی وجود دارد مثل گل و گیاه، نردبان و شومینه اما این اشتراکات مطابق با شخصیت‌پردازی‌ها طراحی شده‌اند. طراح صحنه این سریال می‌گوید که تمام جزییات صحنه‌ها یا به گذشته یا به آینده شخصیت‌ها متصل هستند و حتی کاغذ دیواری‌ها به ما در کشف و حل معمایی جنایی کمک می‌کنند.



پل‌های ارتباطی انجمن علمی دانشجویی معماری داخلی



www.usc.ac.ir



@interiorarchitecture.usc



@interior_architecture_usc

تهران، بلوار اشرفی اصفهانی، نرسیده به پل همت
خیابان شهید قموشی، خیابان بهار، دانشگاه علم فرهنگ